



نماز می شوم و قصد آن دارم که نماز را طول دهم. ناگاه گریه کودک را می شنوم، به ناچار نمازم را سریع پایان می‌دهم؛ زیرا از شدت نگرانی مادر- که در جماعت حضور دارد - نسبت به فرزندش خبر دارم.» همین مضمون را امام صادق علیه السلام این‌گونه نقل کرده است: «صلی رسول‌الله صلی الله علیه و آله الظهر والعصر فخفف الصلاة...؛ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به نماز ظهر و عصر پرداختند و نماز را سریع بجای آوردند. پس از نماز مردم پرسیدند: یا رسول‌الله! آیا در نماز مسأله‌ای پیش آمد؟ فرمود: برای چه؟ گفتند: دو رکعت آخر را خیلی سریع گزاردید. فرمود: مگر صدای گریه کودک را نشنیدید؟» شاگرد ممتاز این مکتب نیز در ضمن دستورالعملی به کارگزار ممتاز خود می‌نویسد: «وإذا قمت فی صلاتک بالناس فلا تكون منفراً ولا مضطعاً، فان فی الناس من به العلة وله الحاجة...؛ هرگاه برای مردم به نماز ایستادی، نه باعث گریز و فرار مردم باش و نه نمازت را ناقص و ضایع گردان؛ زیرا در میان مردم گرفتار و بیمار هست.» من از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله وقتی که مرا به یمن اعزام نمود، پرسیدم: «برای مردم چگونه نماز گزارم؟ فرمود: مثل نماز ناتوان‌ترین آنان، به مؤمنان مهربان باش.» و در احادیث قبل گذشت که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به معاذ فرمود: «فنهـ‌گـر مـباش و مردم را گرفتار نکن.» دقت موضوع تا حدی است که در حدیثی آمده است: «لا ینبغی للامام ان یقوم اذا صلی حتی یقضی کل من خلفه ما فاته من الصلاة؛ نباید امام جماعت از جای خود برخیزد؛ مگر پس از آنکه همه نمازگزارنی که دیر رسیده‌اند، نمازشان را تمام کنند.» و امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «من صلی یقوم فاختص نفسه بالدعاء فقد خانهم؛ کسی که امام جماعت است، اگر به‌هنگام دعا(های نماز) فقط برای خود دعا کند، به مأمومین خیانت کرده است.» همان‌گونه که در آغاز این مقالات از احمدبن محمد مسکویه نقل شد، نماز جماعت برای ایجاد انس و الفت و ارتباط است؛ بنابراین دعای فردی خیانت است و باید در مجموعه این عبادت بی‌نظیر تعامل دو جانبه برقرار باشد و هر دو در تحقق هدف، نظم و اتحاد و الفت همدیگر را یاری کنند:«لیکن الذین یلون الامام اولی الاحلام منکم والنهی فان نسی الامام او تعایا قوموه؛ باید اهل دانش و عقل و فرهنگ نزدیک امام – پشت سر امام – بایستند تا اگر امام ذکر یا عملی را فراموش کرد یا از یاد برد، یاریش رسانند.» در حدیث دیگری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «ینبغی للامام ان یسمع من خلفه کل ما یقول و...؛ سزاوار است امام جماعت ذکرها را بلند بگوید تا مأمومین ایستاده در پشت سرش بشنوند و سزاوار نیست، که مأمومین صدای شان را به گوش امام برسانند.»

• ۷.عبودیت

برترین اصل و بالاترین آموزه در نماز جماعت، عبادت‌بودن حضور در جماعت و حضور در مسجد است و اینکه این همه انس و محبت و اعتماد و نظم و ...، در قالب عبادت و عبودیت الهی و توحید ربوبی و عبادی انجام می‌پذیرد. انسان همه این آموزه‌ها را با حضور در خانه خدا و آماده‌باش در محضر خدا و برای تقرب به او انجام می‌دهد و همین است که به تمام این آموزه‌ها و به زندگی انسان معنا می‌دهد و به انسان قدرت، شجاعت، معرفت، استقلال، اتکاء به نفس، ثبات و استقامت در میدان‌های سرشار از خطر می‌دهد. به بخش مهمی از حکمت عبادات و مناسک برای ارتباط‌دادن انسان و زندگی و حرکات و سکنتات او با خالق هستی و تقرب به اوست و به‌تعبیر حضرت امام خمینی: «یکی از اسرار بزرگ عبادات و تکرار آن، تحقق به حقایق عبادات و متصورشدن باطن – ذات و قلب – به‌صورت عبادت است.» و این همان امتیازی است که انسان متعبد و مؤمن را در علاقه به مردم و دلسوزی برای آنان و در خدمت به جامعه و ... به وجود می‌آورد و سر از پا نشناخته، برای تحقق اصول شمارش شده فوق، جان و مال خود را فدا می‌کند.

سخن آخر با حوزه علمیه و برادران ائمه جماعات

۱. اگر نماز جماعت میدان تمرین عبودیت است، شما امام و مقتدا و اسوه این میدان هستید. باید مدیریت این عرصه را با اخلاص نیت پیاموزید.

۲. اگر نماز جماعت تمرین سیاست دینی و مردم‌داری است و شما مدیر و دبیرکل این حزب و تشکیلات هستید، بدون آموزش شیوه مدیریت، موفق نخواهید بود.

۳. اگر نماز جماعت آموزشگاه زندگی اجتماعی و فرهنگ دینی است. شما عزیزان، معلم، استاد و مربی این آموزشگاه هستید. مقام و جایگاه خود را بشناسید و به آن افتخار کنید و از ملازمت آن غفلت نکنید.

برترین اصل و بالاترین آموزه در نماز جماعت، عبادت‌بودن حضور در جماعت و حضور در مسجد است و اینکه این همه انس و محبت و اعتماد و نظم و ...، در قالب عبادت و عبودیت الهی و توحید ربوبی و عبادی انجام می‌پذیرد. انسان همه این آموزه‌ها را با حضور در خانه خدا و آماده‌باش در محضر خدا و برای تقرب به او انجام می‌دهد و همین است که به تمام این آموزه‌ها و به زندگی انسان معنا می‌دهد و به انسان قدرت، شجاعت، معرفت، استقلال، اتکاء به نفس، ثبات و استقامت در میدان‌های سرشار از خطر می‌دهد.

برترین اصل و بالاترین آموزه در نماز جماعت، عبادت‌بودن حضور در جماعت و حضور در مسجد است و اینکه این همه انس و محبت و اعتماد و نظم و ...، در قالب عبادت و عبودیت الهی و توحید ربوبی و عبادی انجام می‌پذیرد. انسان همه این آموزه‌ها را با حضور در خانه خدا و آماده‌باش در محضر خدا و برای تقرب به او انجام می‌دهد و همین است که به تمام این آموزه‌ها و به زندگی انسان معنا می‌دهد و به انسان قدرت، شجاعت، معرفت، استقلال، اتکاء به نفس، ثبات و استقامت در میدان‌های سرشار از خطر می‌دهد.

جماعت قرار گرفته است، مؤمنان باید یا می‌توانند، نماز جماعت و مسجد را رها کنند و به کنج خانه‌ها پناه ببرند – همانند جوامعی که غیر مسلمانند و تنها معدودی مسلمان در میان مردم زندگی می‌کنند- در این زمینه باید به فقهای بزرگوار عالم به زمان و زمانه مراجعه نمود و به وظیفه‌ای که فتوا می‌دهند، عمل نمود. ما به نقل یک حدیث قابل تأمل بسنده می‌کنیم: از حضرت امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «قال: صلی حسن و حسین علیه السلام خلف مروان ونحن نصلی معهم؛ امام حسن و امام حسین علیه السلام پشت سر مروان- که توسط معاویه حاکم مدینه بود – نماز می‌خواندند و ما – ائمه معصومین علیه السلام –همین کار را می‌کنیم.» در توضیح این حدیث، به حدیثی از طریق عامه اشاره می‌کنیم: «سألت اباجعفر علیه السلام عن الصلاة خلف بنی امیه؟ فقال: صلّ خلفهم فأننا اصلی خلفهم، قال: قلت یا اباجعفر ان الناس یقولون انّ هذا منکم تقیّة، فقال: قد کان الحسن والحسین یصلّیان خلف مروان، ینتدران الصف وان کان-الحسین- لیستّه وهو علی المنبر حتی ینزل افتقیّة هذه؟؛ راوی از امام باقر علیه السلام در مورد نماز پشت سر بنی‌امیه می‌پرسد و امام باقر علیه السلام می‌فرماید: نماز بگزار و من خود پشت سر آنان نماز می‌خوانم. راوی می‌گوید: می‌گویند شما از روی تقیه این کار را انجام می‌دهید و حضرت پاسخ می‌دهد: امام حسن و امام حسین علیه السلام صف‌ها را می‌شکافتند و در صف اول پشت سر مروان می‌ایستادند و در عین حال امام حسین علیه السلام مروان را که بر منبر بود، ناسزا می‌گفت – با او بحث می‌کرد و مخالفت می‌نمود- تا زمانی که او از منبر فرود آید. آیا این تقیه است؟ و شاید همین سیاست راهی باشد تا انسان، ضمن حضور در جمع مخالفان و انس با آنها، بتواند سخن حق را به گوش آنان برساند؛ البته نباید از این شگفتی در شگفت بود که: «یا عجبا للناس! قد مکّتهم الله من الاقتداء به فیدعون ذلک الی الاقتداء بالبهائم؛ شگفت از مردم! که خداوند زمینه اقتدای به خودش را – با فرستادن پیامبران و معرفی اولیای خود علیه السلام – برای همگان فراهم نموده؛ ولی عده‌ای این مسیر روشن الهی را رها نموده و به چهارپایان اقتدای کنند!»

• ۶.همگامی امام و مأموم (امام و امت)

همه مؤمنان در رساله‌های فتوایی و فقهی خوانده و می‌دانند که در نماز جماعت، مأمومین باید در آغاز و انجام نماز و در قیام و قعود آن و ... به امام جماعت اقتدا نمایند و در نماز تابع او باشند و تقدّم بر او در بعضی موارد، موجب بطلان و در بعضی موارد نیز، باعث قطع رابطه با جماعت و فراداشدن نماز می‌شود. امام جماعت، رهبر گروه است و همانند آن است که مأمومین سرودی را به هدایت امام و به‌تبع حرکات و سکنتات او آغاز می‌کنند و به پایان می‌برند؛ اما بسیاری از مؤمنان از حقوقی که بر ذمه امام جماعت دارند، آگاهی ندارند؛ همان‌گونه که مردم با انتخاب خود، باید به پیامدهای آن متعهد باشند. امام جماعت نیز با انتخاب مردم، تکالیفی بر عهده او نهاده می‌شود که باید پاسخگوی رضا و اعتماد مردم باشد. حضرت امام صادق علیه السلام در حدیث مناهی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «ونهی ان یؤم الرجل قوما الا باذنهم وقال:...؛ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از اینکه کسی بدون اجازه و رضای مردم، امامت کند منع نمود و فرمود: کسی که با اجازه مردم امامت نمود و مردم به امامت او راضی بودند و او در نحوه حضور در مسجد راه متعارف و میانه در پیش گرفت و نمازش را و قیام و قرائت و رکوع و سجود و قعودش را به نیکی بجای آورد، برای او پاداشی برابر با پاداش همه مأمومین نوشته می‌شود؛ بدون اینکه از پاداش آنان کم شود» و نیز از آن‌حضرت نقل شده است: «انی لادخل فی الصلاة وانا اريد ان اظليها فاسمع بکاء الصبی...؛ من وارد

پرچم اسلام

سرود ملی مسلمانان

نماز جماعت، نماد وحدت، اعتماد و عبودیت در جامعه اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود لطیفی / **بخش چهارم و پایانی**

بهترین‌های خود را به امامت برگزینید.» و نیز از آن‌حضرت نقل شده است: «ان سرکم ان ترکوا صلاتکم فقدموا خیارکم؛ اگر به رشد و بالندگی نماز خود امید دارید، پس بهترین‌های‌تان را به امامت انتخاب کنید.» و در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «ائمتمک وافدکم الله الی فانظروا من توفدون فی دینکم وصلاتکم؛ رهبران ـ امامان شما- نمایندگان شما نزد خدا هستند؛ پس دقت کنید چه کسانی را به‌نمایندگی خود در دین – برنامه زندگی – و نمازتان به نمایندگی برمی‌گزینید.» این حدیث دلالت بر این دارد که در سیره اهل بیت علیه السلام، همان‌گونه که نماز عبادت است، خدمت به مردم و تعمیر و آبادانی کشور اسلامی نیز، عبادت است و باید در انتخاب کارگزاران نظام که نمایندگان مردم در اداره کشورند، دقت شود و مردم توجه کنند که چه کسانی را نمایندند و سخنگوی خود در مجلس قانون‌گذاری و در مقام قضاوت و وزارت برمی‌گزینند. در حدیثی به‌همین مضمون از ابوذر غفاری رضی الله عنه نقل شده است: «ان امامک شفیعک الی الله فلا تجعل شفیعک سفیها ولا فاسقا؛ امام تو واسطه و رابطه بین تو و خداست؛ مبدا واسطه خود را انسانی سفیه یا گنهکار انتخاب کنی.» انسان سفیهی که نه از گذشته خبر دارد – از کجا آمده است و نه از پیش رو اطلاعی دارد – اعتقادی به معاد ندارد، سر به هوا و تابع هوس روزمره خود است، چگونه می‌تواند واسطه بین انسان و خالق هستی باشد و یا فاسقی که از خط قرمزها عبور کرده و مثل حیوانی سر در علف دارد و مرزها را تشخیص نمی‌دهد- همانند تیری که به خطا از کمان رها شده است- چگونه می‌تواند زندگی و عمر مرزبندی کند و مرز خوب و بد را به من نشان دهد و یا برای من ترسیم کند؟

از منظری دیگر امام جماعت، واسطه بین خدا و مأمومین نیز می‌باشد و خداوند هیچ‌گاه ستمگران را به امامت برنمی‌گزیند – «لا ینال عهدی الظالمین»- در حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: شخصی از ایشان پرسید: امام جماعت به چه عنوان و به چه کسانی می‌گوید: «السلام علیکم ورحمة‌الله؟» آن‌حضرت فرمود: «ان الامام یترجم عن الله عزوجل ویقول فی ترجمته...؛ امام جماعت مترجم خداوند است و پیام خداوند را برای مأمومین ترجمه می‌کند و می‌گوید: شما – نمازگزاران- روز قیامت از عذاب الهی در امان هستید.»

و در ادامه این احادیث، احادیث بسیاری در حد تواتر مفهومی آمده که در انتخاب امام جماعت دقت کنید و هرکسی را انتخاب نکنید. از حضرت امام جواد علیه السلام می‌پرسند: «موالیان شما گرفتار تفرقه شده‌اند. آیا پشت سر همه آنها نماز بخوانم؟ حضرت فرمود: «لا تصل الا خلف من تقف بدینہ وامانته؛ نماز نخوان مگر پشت سر کسی که به دین و امانتداری او اعتماد داری.» و در حدیثی دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام می‌پرسند: «شخصی گرفتار گناه است. گرچه به مقام اهل بیت علیه السلام معرفت دارد، آیا پشت سر او نماز بخوانم؟ فرمود: نه.» و در جمله‌ای کوتاه از حضرت امام صادق و امام رضا علیه السلام نقل شده است: «لا یقتدی الا باهل الولاية؛ جز به پیروان ولایت الهی نباید اقتدا کرد.» کسانی که از غیر مسیر ولایت الهی به مقام و منصبی رسیده‌اند، مبدا و شما را فریب دهند. جامعه اسلامی جامعهای است که تمام زوایایش باید عبادت باشد و در محضر خدا و ولایت او باشد و کسی که به‌ظاهر «اعوذ بالله» می‌گوید؛ ولی در عمل و میدان زندگی از شیطان و طاغوت پیروی می‌کند، خود و مردم را فریب می‌دهد. به امام جواد علیه السلام عرض شد: برخی از دوستان شما جمعند و به‌هنگام نماز یکی پیش می‌رود و دیگران به او اقتدا می‌کنند، آیا مانعی دارد؟ فرمود: «ان کان الذی یؤم بهم لیس بینہ وبین الله طلبۃ فلیفعل؛ اگر کسی که امامت می‌کند، بین خود و خدای خود بدهکاری ندارد، امامت نماید.» در مقابل هرگاه مسلمانان انتخاب درست نمایند، در همان مسیری قرار می‌گیرند که خدای متعال برگزیده است. از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده است: «من صلی خلف عالم فکأنما صلی خلف رسول‌الله صلی الله علیه و آله؛ کسی که پشت سر دانشمندی نماز بگزارد، گویا پشت سر فرستاده خدا نماز گزارده است.»

البته پرواضح است که این همه تأکید بر دقت در انتخاب در مقامی است که مؤمنان با اتحاد و همبستگی و اعتماد به یکدیگر به صحنه آمده و می‌خواهند، بر اساس معیارهایی که از قرآن و عترت صلی الله علیه و آله آموخته‌اند، فرد شایسته‌ای را برگزینند و به امامت او که مورد رضای خداوند است، رضایت دهند و هیچ‌گاه مفید این معنا نیست که اگر شخصی بدون شایستگی لازم و بدون رضای مردم و یا به‌دلیل انتساب و انتصاب صاحبان قدرت و... در مقام امام

اشاره: پرچم اسلام و نماز جماعت به عنوان نماد وحدت و اعتماد میان مسلمانان، نقش مهمی در ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت روابط میان افراد جامعه اسلامی ایفا می‌کند. رعایت حقوق یکدیگر، دفاع از حقوق عمومی و انتخاب امام جماعتی امین و شایسته از اصول اساسی این وحدت است. احادیث متعددی از ائمه معصومین علیهم السلام بر اهمیت نماز جماعت، انتخاب درست امام جماعت و تعامل دوجانبه میان امام و مأموم تأکید کرده‌اند. نماز جماعت نه تنها عبادتی فردی، بلکه تمرینی برای زندگی اجتماعی، سیاست دینی و خدمت به جامعه است. امام جماعت به عنوان نماینده مردم در پیشگاه خداوند، باید از صلاحیت و امانتداری برخوردار باشد. این عبادت جمعی، انسان را به تقرب به خداوند و تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی سوق می‌دهد و به زندگی معنا می‌بخشد. بخش چهارم از مقاله پرچم اسلام، سرود ملی مسلمانان با عنوان«نماز جماعت، نماد وحدت، اعتماد و عبودیت در جامعه اسلامی» به شرح ذیل تقدیم می گردد.

• ۴.اعتماد آفرینی

طبعاً وقتی مسلمانان حقوق یکدیگر را رعایت کردند و برای جامعه و اجتماع اسلامی، حق و ویژه‌ای منظور نمودند و حق عامه را بر حقوق افراد مقدم داشتند، وحدت و الفت در جامعه اسلامی ریشه می‌زند و پایدار می‌گردد و مسلمانان با شناختی که از یکدیگر پیدا می‌کنند، در ناملایمات و گرفتاری‌ها به‌یاری هم می‌شتابند و از حقوق یکدیگر دفاع می‌کنند. حضرت امام خمینی رحمه الله در بحث خیانت به امانت به این اصل مهم اشاره نموده، می‌نویسند: «نوع انسان در دنیا با معاونت و معاضدت بعضی با بعضی، زندگانی راحت می‌توانند بکنند؛ زندگانی انفرادی برای هیچ‌کس میسر نیست؛ مگر آنکه از جامعه بشیریت خارج شده، به حیوانات وحشی ملحق گردد و زندگانی اجتماعی چرخ بزرگش بر اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد. اگر خدای نخواستہ اعتماد از بنی‌الانسان برداشته شود، ممکن نیست بتوانند، یا راحتی زندگانی کنند و پایه بزرگ اعتماد بر امانت و ترک خیانت گذاشته شده است.»

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله: من صلی الخمس فی جماعة فظنّوا به خیرا؛ کسی که نمازهای پنجگانه‌اش را در جماعت می‌گزارد، پس به او خوش‌گمان باشید.» و نیز از حضرت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «ان سئلت عمّن لا یشهد الجماعة فقل لا اعرفه؛ اگر در مورد کسی که در نمازجماعت حاضر نمی‌شود، از تو سؤال کردند، بگو: او را نمی‌شناسم.» و در حدیث علل حضرت رضا علیه السلام آمده بود: «... ولیکون شهادات الناس بالاسلام بعضهم لبعض جائزة ممکنة؛ یکی از حکمت‌های نمازجماعت این است که گواهی مردم به مسلمان‌بودن همدیگر ممکن و صادقانه باشد.» و همین مفهوم با تعبیر دیگر در حدیث علل حضرت صادق علیه السلام این‌گونه آمده است: «ولولا ذلک لم یمكن احدا ان یشهد علی احد بالصلاح...؛ اگر حضور در نمازجماعت مطلوب نبود، راهی برای گواهی افراد به صلاح و سلامت یکدیگر نبود؛ چون کسی که نمازش را به جماعت نمی‌خواند، نمی‌شود به نمازخواندن او گواهی داد.» مفاد مجموعه این احادیث این است که نماز جماعت همانند یک جلسه تشکیلاتی فرهنگی یا سیاسی است که اعضای تشکیلات با حضور در آن جلسه، اعلام حضور می‌کنند و خودی را از غیرخودی باز می‌شناساند.

یکی دیگر از مهم‌ترین آموزه‌های نماز جماعت تعامل امت با امام و امام با امت است؛ تعاملی همانند تناسب و تناسب تار و پود بافته‌ای زیبا و پرنقش و چشم‌نواز، به‌صورتی‌که در هیچ نهاد دینی و یا سیاسی و فرهنگی و ... چنین تعامل دوجانبه با رعایت دقیق حقوق دو طرف را نمی‌توان در چنین قالبی زیبا به تصویر کشید، آموزش داد و تمرین نمود. چون این موضوع شامل مباحثی گسترده است، چند عنوان را به اشاره متذکر می‌شویم:

• ۵.گزینش و انتخاب

خدای متعال در نهاد انسان، توانایی انتخاب و اختیار نیک و بد را قرار داده و حق گزینش را به خود انسان سپرده است؛ اما به او هشدار داده که گرچه هر لحظه در حال انتخاب و گزینش است؛ اما هر گامی که به سمت انتخاب برمی‌دارد، تعهدآور است و باید پاسخگوی اقداماتش باشد و در هیچ شرایطی نمی‌تواند، از پیامدهای انتخابش در امان باشد. او همان‌گونه که نمی‌تواند استعداد انتخاب را از فطرت و نهاد خود محو کند، نمی‌تواند از پیامدها و تبعات نیک و بد انتخابش نیز بگریزد. با توجه به این سنت لایتغیر الهی، به انسان مسلمان در احادیث متعدد هشدار داده شده که اگر نمازجماعت عبادت خدا و وسیله تقرب به درگاه اوست، امام جماعت نیز واسطه و سخنگوی مأمومین در بارگاه خداوند است؛ پس باید در انتخاب امام جماعت دقت کند تا فردی امین و مورد اعتماد و به‌واقع سخنگوی مأمومین خود باشد. در حدیثی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده است: «امام القوم وافدهم، فقدمواافضلکم؛ امام جماعت نماینده و سخنگوی جماعت است، پس